

شناسایی بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایدارسازی آن

معصومه افلاطونی^۱، جواد خدادادی سنگده^۲، کیومرث فرحبخش^۳

چکیده

پایداری ازدواج سنگ‌بنای خانواده‌ای سالم و رشد یافته را ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز محیطی مناسب برای رشد فرزندان و سایر اعضای خانواده است. هدف این پژوهش شناسایی بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایدارسازی آن بود. در راستای این هدف، اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش از طریق روی آورد کیفی و روش پدیدارشناسی با استفاده از نمونه برداری هدفمند و در هر مرحله با توجه به تحلیل داده‌های پیشین از بین ۲۲ نفر (۱۱ زن و شوهر) که در زمان مصاحبه حداقل ۳ و حداکثر ۷ سال از ازدواجشان گذشته بود و به اذعان خودشان تجربه تعارض‌های شدید، فزاینده و مرتبط با متارکه و طلاق نداشته‌اند، گردآوری شد. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، به روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها و دسته‌بندی مضامین فرعی، ۱۱ مضمون اصلی «فضایل فردی، فضایل زوجی، مدیریت سازنده تعارض، باورهای مذهبی، حفظ حریم زناشویی، انعطاف‌پذیری، انتخاب سازنده، حمایت خانواده‌ها، تأثیر گذر زمان بر روابط زوجین، ساختار ارتباطی سالم، رشد و ارتقای زوجی» و مضمون هسته‌ای، «فضایل شکل دهنده چرخه مثبت ارتقابخش رابطه زناشویی» به دست آمد. می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج پایدار پدیده‌ای است که مستلزم داشتن شرایط و عوامل متعددی است و نقش سازگاری و مؤلفه‌های مرتبط با آن، در پایداری ازدواج به‌ویژه در مراحل و سال‌های ابتدایی آن، بسیار حائز اهمیت بوده است.

واژه‌های کلیدی: سازگاری زناشویی، ازدواج، پایدارسازی ازدواج، پژوهش کیفی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (javad.khodadadi7@gmail.com) نویسنده مسئول
۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Identify the contexts of marital adjustment in the early stages of marriage in its stabilization

Masoumeh Aflatooni¹

Javad khodadadi Sangdeh²

Kiumars Farahbakhsh³

Abstract

Sustainability of marriage is the cornerstone of a healthy and developed family and provides a good environment for the growth of children and other family members. The aim of this study was to identify the contexts of marital adjustment in the early stages of marriage in its stabilization. In line with this goal, the information required was gathered through qualitative approach and phenomenological method using purposive sampling. At each stage, the analysis of the previous data was done from 24 people (12 couples) , passing at least 3 and at most 7 years of their marital life at the time of interview – based on their statements, they had not experienced any intense, growing, divorce-related conflicts. The research tool was a semi-structured interview and the findings were analyzed by a seven-step Colaizzi method. Having coded the interviews and categorized the sub-topics, 11 main themes were obtained as follows: "Individual virtues, couple virtues, constructive conflict management, religious beliefs, marital privacy, flexibility, constructive choice, family support, the effect of time passing on marital relationships, healthy communication structure, growth and couple promotion," and 1 core theme called "virtues forming the positive cycle of promoting the marital relationship". It can be concluded that the lasting marriage is a phenomenon requires several conditions and factors and the role of adaptation. Also, the related components are so much important in the stability of marriage, especially in its early stages and years.

Keywords: Marital Adjustment, marriage, marriage stabilization, qualitative research

-
1. Masters student in Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
 2. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
 3. Associate Professor, Department of Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

مقدمه

ازدواج مهم‌ترین رابطه بشری و یکی از پایدارترین روابط بین فردی به حساب می‌آید، زیرا پایه‌ای برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت نسل آینده است (کریمی و اسمعیلی، ۱۳۹۹). یکی از شاخص‌های زندگی زناشویی مناسب، پایداری ازدواج است که به معنای باقی ماندن قانونی رابطه ازدواج در یک خانواده در طول زمان است (منینگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). به سخن دیگر، پایداری ازدواج^۲ به حالت‌های مؤثر و شناختی در کنار اقداماتی اطلاق می‌شود که پیش از وقوع قطع رابطه زناشویی انجام شود (هی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو، کیفیت و ثبات روابط زناشویی بر سلامت روانی و جسمانی زوج تأثیر مثبت می‌گذارد و زمینه‌ساز ایجاد محیطی مناسب برای رشد فرزندان و سایر اعضای خانواده است (میخالیتسیانوف^۴، ۲۰۱۴). پایداری ازدواج فقدان مشکلات زناشویی نیست، بلکه حضور شور و اشتیاق، صمیمیت و تعهد است که ازدواج را سالم و بی‌عیب حفظ می‌کند (هنرپوران، ۱۳۹۵). سال‌های اول زندگی به دلیل تغییر نقش زوجین در خانواده و افزایش مسئولیت‌های آنان چالش جدید در زندگی محسوب می‌شود (اصفهان‌ی و همکاران، ۱۳۹۷). در واقع اگر در سال‌های اول زندگی مشترک، سنگ بنای کانون خانواده محکم باشد، زوجین در سال‌های بعدی نیز رضایت و موفقیت بیشتری را تجربه خواهند کرد. از این رو، مراحل ابتدایی ازدواج است که پایه آن را می‌سازد و مقدمه زندگی‌ای طولانی مدت را فراهم می‌کند (به‌پژوه، ۱۳۸۹). طبق آمارهای سازمان ملل، آمار طلاق در کشور ما در مقایسه با کشورهای منطقه بیشتر است و نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، یا در همان اندازه یا پایین‌تر است (شیدان‌فر و همکاران، ۱۳۹۹). براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور^۵، بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها در سال ۱۳۸۵ برای پنج سال نخست زندگی مشترک بوده است. در سال ۱۳۹۰ نیز ۵۰/۱۸ درصد طلاق در پنج سال اول زندگی گزارش شده است. به همین ترتیب شاهد این روند در سال ۱۳۹۴ بودیم، اما مقداری کم‌تر از دو سال یاد شده است. در این سال ۴۷/۲۷ درصد طلاق‌ها مربوط به پنج سال اول زندگی است. در سال ۱۳۹۵، طول مدت ازدواج در ۴۴/۶ درصد آن‌ها کم‌تر از پنج سال و ۶۷/۴

1. Manning
2. sustainability of marriage
3. He
4. Michalitsianis
5. The Civil Registration

درصد کم‌تر از ده سال بوده است (حسینی و تیموری ارشد، ۱۳۹۸). در سال ۱۳۹۸ متوسط عمر ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند، ۹ سال گزارش شده است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۸). طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور، ۱۱ هزار و ۷۱۵ طلاق در سال ۱۳۹۹ با طول مدت ازدواج کم‌تر از یک سال به ثبت رسیده، این در حالی است که طول مدت ازدواج بیشتر طلاق‌های ثبت شده در سال گذشته تنها بین یک تا پنج سال بوده است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۹). تعدادی از مطالعات نشان داده است زوجینی که از هم جدا شده و طلاق گرفته‌اند، در خطر بیشتری برای مشکلات روحی و جسمی هستند (ونگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). طلاق والدین نیز می‌تواند تأثیر منفی بر سلامت روان، عملکرد تحصیلی و اجتماعی فرزندان داشته باشد (هی و همکاران، ۲۰۱۸). از آنجا که بی‌ثباتی ازدواج برای خانواده و جامعه مضر است، اهمیت شناسایی عواملی که باعث ایجاد ثبات در زندگی زناشویی می‌شود، کاملاً مشهود است.

طیفی از مطالعات تلاش کرده‌اند تا عوامل و متغیرهایی را که در ایجاد ازدواج‌های پایدار نقش دارند، بررسی کنند و نشان دهند به چه صورت زوجین در جهت پایداری ازدواجشان عمل می‌کنند. در پژوهشی با هدف بررسی عوامل روان‌شناختی ثبات و دوام ازدواج این نتایج به دست آمد: در مسئله ازدواج تنها دو فردی که تازه ازدواج کرده بودند، دخیل نبودند، بلکه در عوض دو خانواده درگیر این مسئله می‌شوند. در کل، صبر و تحمل سختی‌ها کلید ثبات و دوام ازدواج بودند (موکاشما^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). در مطالعه نیمتز^۳ (۲۰۱۱) دو مضمون اصلی ازدواج پایدار، نگرش‌های مشترک (تعهد، احترام و اخلاق) در مورد روابط زناشویی و کنش اشتراکی (تلاش برای توسعه روابط زناشویی) بود. مرور پژوهش‌ها در مورد ازدواج‌های باثبات به شاخص‌های ازدواج پایدار همانند روابط صمیمی و عاطفی (بلاچ^۴ و همکاران، ۲۰۱۴)، متعهد شدن به همسر و ازدواج (شریسا^۵، ۲۰۱۴)، حل تعارض (درایور و گاتمن^۶، ۲۰۱۴) و دیگر عوامل منتهی شده است.

بعضی از پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی عوامل مؤثر در پایداری ازدواج پرداخته‌اند. در تحقیق آذرکیش و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثربخشی آموزش جنسی بر

1. Wang
2. Mukashema
3. Nimtz
4. Bloch
5. Shirisia
6. Driver & Gottman

بخشش خاص زناشویی و پایداری ازدواج زنان پرداخته شد که یافته‌ها حاکی از این بود که آموزش جنسی در افزایش بخشش رنجش خاص زناشویی و پایداری ازدواج مؤثر است. در پژوهش فیاض صابری و همکاران (۱۳۹۸) با هدف بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی^۱ با پایداری ازدواج مشخص شد که پایداری ازدواج براساس سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی قابل پیش‌بینی است. کرایبی و همکاران (۱۳۹۵) عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند را بررسی کردند. این عوامل عبارت‌اند از: شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام و قدردانی از یکدیگر؛ ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری؛ صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی؛ کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن؛ تعهد و وفاداری؛ داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک؛ و مسائل مالی و شغلی. نتیجه پژوهش کیفی حاتمی و رزانه و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند مقوله مرکزی ازدواج‌های پایدار و رضایتمند حرکت به سمت بالندگی ازدواج و متغیر علی آن مقوله شکل‌گیری درست ازدواج است.

با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی سازش بین زوجین به عامل مهم در رابطه با کیفیت ازدواج بدل می‌شود (عیسی‌نژاد و علیزاده، ۱۳۹۹) و یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پایداری یا ثبات ازدواج، در همه فرهنگ‌ها، سازگاری زناشویی است (گاتمن، ۲۰۱۷). در واقع زندگی مشترک بر پایه سازگاری زناشویی^۲ زوجین که با یکدیگر رابطه زوجی برقرار کرده‌اند، شکل گرفته است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷). سازگاری زناشویی وابسته به انتخاب همسر مناسب، تمایل به ازدواج و داشتن زندگی متأهلی، عشق متقابل بین همسران، رضایت جنسی، تصدی مسئولیت‌های زناشویی و توانایی حل مشکلات زناشویی و ثبات زناشویی است (الزائوند^۳، ۲۰۲۰). بشارپور و شیخ‌الاسلامی^۴ (۲۰۱۵) استدلال کردند که سازگاری زناشویی شامل خوشبختی زناشویی است. یوکسل و داگ^۵ (۲۰۱۵) تصریح کردند که سازگاری زناشویی نیز موردی است که شامل رفع نیازهای روحی و عاطفی زوجین است که موجب ثبات عاطفی و علاقه متقابل، احساس دل‌واپسی، احساس

-
1. sexual self-expression
 2. marital compatibility
 3. ALZyoud
 4. Basharpour & Sheykhosslami
 5. Yuksel & Dag

مسئولیت، عزت نفس از طریق انجام وظایف و به دست آوردن حقوق است. سازگاری زناشویی از جمله ویژگی‌هایی است که برای سنجش میزان موفقیت یک ازدواج کاربرد دارد (فاریابی و همکاران، ۱۳۹۴). کندریک و درنتی^۱ (۲۰۱۶) که سازگاری زناشویی را انطباق زوجین با یکدیگر تعریف می‌کنند، عوامل مختلفی همچون رضایت زناشویی، پیوستگی، توافق، عاطفه و تعارض را بر شکل‌گیری سطوح مختلف آن اثرگذار دانسته‌اند. در واقع سازگاری در روابط زناشویی یک توافق و قصد برای حفظ رابطه در بلندمدت است و بر شرایط پایداری که زوجین را در کنار هم نگه می‌دارد، اشاره دارد (دورگوت و کیسا^۲، ۲۰۱۸). معمولاً سال‌های اول ازدواج از نظر سازگاری بسیار ناپایدار بوده و بیشترین خطر برای ناسازگاری و طلاق دارد (احمدی و مرادی، ۱۳۹۷). بنابراین موفقیت در زندگی زوجین وابسته به موفقیت آن‌ها در سازگاری با هم بوده و ناسازگاری زوجین به تعارض و تنش منجر می‌شود (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به جست‌وجوهای انجام‌شده، تحقیقات گذشته بیشتر بر ناپایداری ازدواج و احتمال طلاق تمرکز داشته‌اند و در رابطه با پایداری مراحل اولیه ازدواج پژوهشی یافت نشد، لذا با توجه به خلأ پژوهشی در این زمینه و با عنایت به اهمیت ازدواج و حفظ پایداری آن پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی به دنبال شناسایی بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایداری آن است.

روش

پژوهش حاضر به روش کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی^۳ انجام شد. روش پدیدارشناسی کشف پدیده مورد نظر پژوهشگر را از طریق مطالعه تجربه زیسته افراد محقق می‌سازد. جامعه مورد پژوهش شامل زوجین شهر قزوین در بازه زمانی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ بود. از آنجایی که در پژوهش کیفی جامعه برابر با نمونه است، مشارکت کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های مورد بررسی در انتخاب نمونه دربرگیرنده موارد زیر بود: ازدواج کنونی زوجین، اولین ازدواج آن‌ها باشد، همسران باید در زمان مصاحبه حداقل ۳ و حداکثر ۷ سال از ازدواجشان گذشته باشد و به اذعان خودشان تجربه تعارض‌های شدید، فزاینده و مرتبط با متارکه و طلاق نداشته باشند.

1. Kendrick & Drentea
2. Durgut & Kısa
3. phenomenological method

نمونه‌گیری در این پژوهش تا حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۲ نفر (۱۱ زن و شوهر) مورد بررسی قرار گرفتند.

در ابتدا با مطالعه و بررسی ادبیات پژوهش، سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته طراحی شد. سپس با جمع‌بندی نظرات کارشناسان آگاه به موضوع، برای اطمینان از روایی محتوایی، سؤالاتی برای انجام مصاحبه انتخاب شد، به صورتی که با صحت محتوا و کفایت سؤالات تدوین شده بتوان بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج را از نظر زوجین جویا شد. به دلیل شیوع بیماری کرونا و محدودیت‌های اعمال‌شده برای پیشگیری از انتشار ویروس کووید - ۱۹ جلسات مصاحبه در فضای مجازی با زوجین توسط پژوهشگر انجام شد. البته پیش از آغاز هر مصاحبه درباره اهداف پژوهش حاضر، کسب اجازه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم ارائه شد. در مصاحبه مقدماتی برای روشن‌تر شدن موضوع، سؤالات کلی در مورد چگونگی تجربه زوجین از نحوه سازگاری و کنار آمدن خود با استرس و مشکلات زندگی در مراحل اولیه ازدواج مطرح شد و به موضوعات اطراف این محور از جمله (رفتارهای سازگارانه زوجین در مراحل اولیه ازدواج، عوامل مؤثر در سازگاری آن‌ها) پرداخته شد که طی فرایند مصاحبه و تحلیل‌های ابتدایی، سؤالات مشخص‌تر شکل گرفت که قالب کلی موضوع را شکل می‌داد. مدت مصاحبه در هر مورد متغیر بود و به‌طور متوسط ۶۰ تا ۹۰ دقیقه طول می‌کشید. در پژوهش حاضر جهت تحلیل داده‌ها از مراحل هفت‌گانه کلایزی^۱، استفاده شده است. ابتدا متن مصاحبه‌ها که به‌طور کامل روی کاغذ نوشته شده بود، چندین بار به دقت مطالعه شد، سپس عبارات مهم استخراج شد، کدهای حاصل از تجزیه و تحلیل اولیه براساس تشابه موضوعی به صورت جداگانه یادداشت و به صورت دسته‌هایی سازماندهی شد و سپس کدهای مختلف برای تشکیل دسته‌هایی کلی‌تر در هم ادغام شدند، به این معنی که کدهایی که موضوع واحد داشتند، جزو مضامین اصلی قرار گرفتند. به منظور اعتبارپذیری داده‌ها از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن^۲ (۱۹۸۹) استفاده شده است. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه به مشارکت‌کننده بازگشت داده می‌شد تا صحت و سقم نتایج تأیید و تغییرات لازم اعمال شود. جهت تضمین قابلیت تصدیق داده‌ها، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. برای تضمین قابلیت اطمینان و کفایت از نظارت و

1. Clause

2. Guba & Lincoln

راهنمایی افراد متخصص در حوزه پژوهش و روش پژوهش استفاده شد و بررسی کدها و دسته‌بندی مقوله‌ها نیز با صلاح‌دید و مشورت آن‌ها بود و برای قابلیت انتقال داده‌ها سعی شد مشارکت کنندگان با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیت‌شناسی انتخاب شوند.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ۲۲ نفر (۱۱ زن و شوهر) با دامنه سنی ۲۶ تا ۳۹ سال با میانگین ۳۳ سال، نمونه پژوهش را تشکیل دادند. حداقل مدت ازدواج ۳ و حداکثر آن ۷ سال بود. دامنه تحصیلات از کاردانی تا دکتری متغیر بود.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	مصاحبه‌شونده	شغل	تحصیلات	مدت ازدواج	سن	تعداد فرزندان
۱	آقا	کارمند	کارشناسی ارشد	۴ سال	۳۲ سال	۱
	خانم	خانه‌دار	کارشناسی		۲۹ سال	
۲	آقا	هیئت علمی	دکتری	۳ سال	۳۶ سال	۱
	خانم	کارمند	کارشناسی ارشد		۳۰ سال	
۳	آقا	پرستار	کارشناسی	۳ سال	۲۹ سال	-
	خانم	خانه‌دار	کاردانی		۲۸ سال	
۴	آقا	کارمند	کارشناسی ارشد	۵ سال	۳۷ سال	۱
	خانم	کارمند	کارشناسی ارشد		۳۲ سال	
۵	آقا	مغازه‌دار	کارشناسی	۵ سال	۳۴ سال	۱
	خانم	خانه‌دار	کارشناسی		۳۲ سال	
۶	آقا	مربی ورزش	کارشناسی	۷ سال	۳۸ سال	۲
	خانم	کارمند	کارشناسی		۳۵ سال	
۷	آقا	آزاد	کاردانی	۳ سال	۲۸ سال	-
	خانم	خانه‌دار	کارشناسی		۲۶ سال	
۸	آقا	مهندس	کارشناسی ارشد	۶ سال	۳۲ سال	۱
	خانم	مهندس	کارشناسی ارشد		۳۲ سال	
۹	آقا	کارمند	کارشناسی	۴ سال	۳۸ سال	-
	خانم	خانه‌دار	کاردانی		۳۵ سال	
۱۰	آقا	کارمند	کارشناسی	۴ سال	۳۸ سال	-
	خانم	خانه‌دار	کاردانی		۳۵ سال	
۱۱	آقا	نظامی	کارشناسی	۶ سال	۳۹ سال	۲
	خانم	معلم	کارشناسی		۳۵ سال	

فرایند مصاحبه تا حصول اشباع ادامه یافت که در مصاحبه بیست و دوم اطلاعات و یافته‌های جدیدی حاصل نشد و تکرار مطالب قبل بود. جهت حصول اطمینان خاطر بیشتر دو مصاحبه تأییدی در ادامه صورت گرفت. لذا، در مجموع ۲۲ مصاحبه کدگذاری شد. در تحلیل داده‌ها ۶۷ مضمون فرعی، ۱۱ مضمون اصلی و مضمون هسته‌ای شناسایی شد. یافته‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲ مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
فضایل شکل‌دهنده چرخه مثبت ارتقا بخش رابطه زناشویی	فضایل فردی	تحصیلات، بیان دل‌خوری‌ها، بیان مناسب احساسات، قدردانی از همسر، در نظر گرفتن تلاش همسر برای زندگی مشترک، الگوگیری از خانواده‌ها و اطرافیان، پرهیز از عصبانیت، حفظ احترام در زمان بروز تنش، حفظ خون‌سردی در زمان بروز تنش
		صداقت، عدم پنهان‌کاری، مقایسه نکردن، روابط جنسی رضایت‌بخش، دلبستگی به همسر، ارسال پیام‌های عاشقانه، تعلق خاطر به خانواده مبدأ، وجود فرزندان، عشق و علاقه به همسر، توافق بر سر مسائل اساسی، مشورت با یکدیگر، تصمیم‌گیری مشترک، درک متقابل، برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های همسر، حمایت و همراهی متقابل
تعارض	فضایل زوجی	معذرت‌خواهی کردن، غر نزدن، گرایش به سکوت در زمان تنش، گفت‌وگو با همسر در یک مدیریت سازنده
		فضای آرام، شوخی کردن برای پایان دادن به تنش، بی‌تفاوت بودن نسبت به مسائل بی‌اهمیت
حفظ حریم زناشویی	حفظ حریم زناشویی	اعتقاد به خدا، پذیرش خواست و حکمت خدا در ازدواج، مطالعه احادیث بزرگان دین درباره باورهای مذهبی روابط همسری
		حفظ اسرار زندگی مشترک، عدم اجازه دخالت اطرافیان و خانواده‌ها، عدم انتقال مسائل زندگی به خانواده‌ها

ادامهٔ جدول ۲

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		قناعت، کوتاه آمدن از خواسته‌ها، کنار آمدن با مشکلات، درک تفاوت‌های زندگی زوجی و مجردی، پذیرش تفاوت‌های فردی، پرهیز از قضاوت، باور به مکمل بودن زن و شوهر، طبیعی دانستن مقداری ناسازگاری در زندگی، طبیعی دانستن اختلافات در اوایل زندگی
	انتخاب‌پذیری	انتخاب آگاهانه، شناخت پیش از ازدواج، داشتن آگاهی دربارهٔ زندگی مشترک
		عدم پافشاری خانواده‌ها بر رسم و رسومات، پذیرفتن عروس یا داماد به منزلهٔ عضو جدید خانواده، کمک خانواده‌ها با بیان تجارب خود، عدم مداخلهٔ خانواده‌ها در مسائل خصوصی زوج، دامن نزدن خانواده‌ها به اختلافات زوج، عدم جانبداری بی‌مورد از فرزندشان
	حمایت خانواده‌ها	شناخت بیشتر با گذر زمان، کسب تجربه با گذر زمان، حساسیت کم‌تر با گذر زمان، دستیابی به تأثیر گذر زمان تفکر و نظر مشترک با گذر زمان، نزدیک شدن بر روابط زوجین به یکدیگر از لحاظ شخصیتی با گذر زمان
		پذیرفتن خانوادهٔ همسر، احترام به خانوادهٔ همسر، سازگاری با خانوادهٔ همسر، پرهیز از دخالت در ساختار ارتباطی مسائل همسر با خانواده‌اش، مدیریت مناسب در تعامل با خانواده‌ها
	رشد و ارتقای زوجی	تلاش برای پیشرفت یکدیگر، دستیابی به موفقیت در زندگی مشترک، تشویق برای رشد و ارتقای یکدیگر

مضمون اصلی اول به ویژگی‌های کارآمد فردی و نقاط قوت شخصیتی زوجین مرتبط شد و با عنوان فضایل فردی^۱، نام‌گذاری شد. در ادامه به مصادیقی از آن اشاره می‌شود:

- خانم شماره ۱۱: «تو سال‌های اول ازدواجمون واقعاً چیزی نمیدونستم، بیشتر سکوت میکردم یا خودخوری، حتی از بیان کردنش با همسر هم شک داشتم؛ اما الان راحت احساساتم رو بهش میگم، این گفتن باعث میشه دلم آروم بشه». آقای شماره ۷: «معمولاً تو و اکثر مسائل زندگی باهم به یه توافقی رسیدیم و بهترین تصمیم اونیه که باهم میگیریم». خانم شماره ۴: «یکی از عواملی که باعث سازگاری بین ما شده اون روابط خوب و سالمیه که ما از پدر و مادرامون دیدیم. اون همکاری و همراهی که اون‌ها در زندگی‌تون داشتن. ما هیچوقت ندیدیم اون‌ها فقط خودشون رو در نظر بگیرن و فقط بفکر خودشون باشن همیشه بفکر خانواده و همسرشون بودن. ما هم یاد گرفتیم و دوست داریم که اینطور رفتار کنیم در زندگی مشترکمون». آقای شماره ۱۲: «مثل قبل زود عصبی نمیشم و به عواقب کاری که میخوام انجام بدم قبلش فکر میکنم. خب این خودش کمک میکنه به سازگاری بیشتر ما».

دومین مضمون اصلی به‌دست آمده به ویژگی‌های کارآمد زوجی، زوجین مشارکت‌کننده مرتبط می‌شد که با عنوان فضایل زوجی^۱، شناسایی شد. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

- خانم شماره ۴: «ما از اول زندگی با هم صادق بودیم، صداقت مهم‌ترین چیز تو هر زندگیه که نبودنش باعث ایجاد بی‌اعتمادی، شک و حساس شدن رو کارای همدیگه میشه». خانم شماره ۶: «اهل غر زدنم نیستم، چون با غر کردنم یا رو اعصابش رفتن هیچ وقت نمیتونم حرفمو به کرسی بنشونم پس فایده‌ای نداره قضیه بدتر میشه. آقای شماره ۱: «در زندگی ما همه چیز شفاف و مشخص هست و چیزی رو از هم پنهان نمی‌کنیم». - خانم شماره ۱۱: «اوایل ازدوایم چون سنم کم بود نمیدونستم مشکلی پیش میاد چیکار کنم ولی از سال سوم زندگی‌مون خوب شد چون همدیگه رو خیلی درک کردیم. همین که فکر میکنی کسی هست که درکت میکنه و همه جوره باورت داره و با شرایط مختلف باهات سازگاره خیلی در تصمیم‌گیری‌های درست نقش داره. تو این زندگیه ما این درک متقابل همیشه بوده». خانم شماره ۸: «هر اتفاقی که میفته نظریه نفرمون در اولویت نیست و در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها نظر هر دو مون مهمه. همسر همیشه میگه چیزی قشنگه که هر دو مون بپسندیم».

سومین مضمون اصلی با عنوان مدیریت سازنده تعارض‌ها^۲، شناسایی شد که به روش‌های پیشگیری و حل تعارض در زوجین مربوط می‌شد. نمونه‌ای از صحبت‌های

مشارکت‌کنندگان به قرار زیر است:

- آقای شماره ۲: «اگر مشکلی در زندگی‌مون پیش بیاد مطمئناً به ناراحتی و فضای سنگینی اول تو خونه حاکم میشه؛ اما یکی از ما دو نفر پیش قدم می‌شیم که مشکل رو حل کنیم باهم. لزوماً همیشه اون به نفر من نیستم یا همسر من نیست» خانم شماره ۹: «اگر اشتباه از طرف من باشه عذرخواهی میکنم و همینطور اگر از طرف همسر من باشه ایشون عذرخواهی میکنن. خلاصه سعی میکنیم با به عذرخواهی یا رفتار محبت‌آمیز فشار و گرم کنیم». آقای شماره ۴: «دلخوری از بین رفت میشینیم دربارش صحبت میکنیم. اینطوری با دید بازتری به مشکل نگاه میکنیم. چون در اون فضای سنگین فقط از طرف خودتون به مشکل نگاه میکردیم. وقتی باهم صحبت میکنیم مبینیم که به جنبه‌هایی حق با من بود و از جنبه‌هایی حق با همسر من بوده».

یکی دیگر از مضامین اصلی به دست آمده در این پژوهش باورهای مذهبی^۱ بود که به اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی زوجین اشاره دارد. نمونه‌های اظهارات مشارکت‌کنندگان در این باره به قرار زیر است:

- خانم شماره ۱: «اگر خدارو ببینی نگاهت به همسرت متفاوته. ازش چیزای خارق‌العاده نمیخوای. بهانه‌گیری کم‌تره. صبرت بالا میره ارتقا میدین همو در نتیجه سازگاریم بالا میره. برای من که اعتقاد به خدا خیلی تو سازگاریمون نقش داشته». آقای شماره ۳: «من خواست خدا رو بسیار در سرنوشتم مؤثر میدونم و این باعث میشه در روزهای سخت زندگی و در مواجهه با مشکلات احساس بدی به ازدواجم نداشته باشم و سعی کنم زندگی‌مونو بسازم».

مضمون اصلی پنجم به حریم‌سازی و پاسداری از حریم زوجی توسط زوجین مشارکت‌کننده مرتبط شد که تحت عنوان حفظ حریم زناشویی^۲، کدگذاری شد. مصادیقی از تجارب مشارکت‌کنندگان در زیر آمده است

- آقای شماره ۶: «از اول زندگی‌مون، هیچوقت خانواده‌هارو دخالت ندادیم و هر جر و بحثی بوده فقط بین خودمون بوده حتی تو اوج ناراحتی وقتی جایی یا مهمونی بودیم کسی متوجه ناراحتی ما نشده». خانم شماره ۳: «هیچکدوممون هیچ کدوم از اعضای خانواده‌هامونو در جریان مسائلمون نمیداشتیم، به نظرم من شاه‌کلید موفقیت و سازگاری زندگی ما این بود. همین که هیچ چیزی در زندگی‌مون رو به خانواده‌هامون نگفتیم».

ششمین مضمون اصلی با عنوان انعطاف‌پذیری^۳، شناسایی شد که به توانایی سازش

1. religious beliefs
2. protecting marital privacy
3. flexibility

و انطباق‌پذیری زوجین اشاره دارد. نمونه‌ای از جملات مشارکت‌کنندگان در ادامه آمده است:

- خانم شماره ۱۰: «قناعتم بوده که باعث کم شدن فشار اقتصادی تو زندگی میشه، بعضی موقع‌ها طمع باعث میشه طرف بیشتر زندگیشو صرف کار کردن و سرو کله زدن با مشکلاتش میشه در نتیجه آستانه تحملش میاد پایین و امکان داره کوچیک‌ترین جرقه باعث به وجود اومدن یه دعوای بزرگ بین دوطرف بشه». آقای شماره ۲: «کوتاه اومدن سر چیزایی که شاید خودم خیلی دوست داشتم ولی همسرم اصلاً دوست نداشته و من شاید شده از شون گذشتم یا خیلی کم‌رنج‌تر شون کردم». خانم شماره ۵: «ما اختلاف سلیقه زیادی باهم داریم ما قبول کردیم که نباید شبیه هم باشیم و نباید انتظار داشته باشیم طرف مقابلمون عین ما فکر کنه، سازگاری به معنای مثل هم فکر کردن نیست سازگاری یعنی احترام به عقاید و سلیقه».

مضمون اصلی بعد، انتخاب سازنده^۱، نام‌گذاری شد و به گام‌های ساختن یک ازدواج پایدار توسط زوجین اشاره دارد. مصادیقی از آن در زیر آمده است:

- آقای شماره ۱۲: «من همسرم رو فقط براساس احساساتم انتخاب نکردم، در واقع سازشی که بین من و همسرم هست نتیجه یک انتخاب آگاهانه است». آقای شماره ۱۰: «نوع ازدواج به ما خیلی کمک کرده یعنی ما شناخت نسبی از هم داشتیم و ازدواجمون با منطق بوده و نه فقط براساس احساسات».

هشتمین مضمون اصلی در این پژوهش با عنوان حمایت خانواده‌ها^۲، شناسایی شد که به پشتیبانی و حمایت‌های خانواده‌های اصلی زوجین از آن‌ها مرتبط شد. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

- آقای شماره ۵: «خانواده‌هامون از همون اول خیلی پافشاری روی رسم و رسومات داشتن و سعی میکردن کنار بیان و در مواردی کوتاه بیان». آقای شماره ۹: «یک مورد فکر میکنم نصیحت پدر و مادر هر دو طرف هم در سازگاری مؤثره. پدر و مادر بیشتر از هر کسی بچه هاشونو میشناسن در مواقعی که احساس کنن حق با همسر بچشونه و این موضوع رو با بچه خودشون در میان بذارن و یا تجربیات خودشونو در اختیار فرزندان قرار بدن خب در سازگاری مؤثره. من مادر خودم و مادر خانمم این نقش رو به خوبی و بیشتر بازی میکنن».

نهمین مضمون اصلی به دست آمده در این پژوهش، تأثیر گذر زمان بر روابط

1. constructive marriage
2. family support

زوجین^۱، بود که به اثرات مثبت گذشت زمان بر روابط زوجین و تأثیرگذاری طول مدت ازدواج اشاره دارد. به چند نمونه از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان اشاره شده است:

- آقای شماره ۳: «سازگاری از اول کم‌تر بود اوایل ازدواج چون خیلی کم‌تر شناخت از خودمون یا خانواده‌هامون داشتیم، ولی بعد از ازدواج که به مدت گذشت باعث شد که بیشتر با همدیگه با اخلاق هم آشنا بشیم». خانم شماره ۷: «خیلی از مشکلات و سوء تفاهم‌ها در زندگی ما با گذشت زمان حل شده. در سال‌های اول ازدواج چون تجربه زندگی مشترک رو نداشتیم هر دو مون مسائل و مشکلات رو بزرگ میدیدیم و تمام تلاشمون رو میکردیم که باهاش کنار بیایم و حلش کنیم و متوجه بودیم که داریم تجربه کسب میکنیم».

دهمین مضمون اصلی به دست آمده در این پژوهش با عنوان ساختار ارتباطی سالم^۲، شناسایی شد که به مدیریت روابط زوجین با خانواده‌های اصلی اشاره دارد. نمونه‌ای از گفته‌های مشارکت‌کنندگان به قرار زیر است:

- آقای شماره ۶: «از اول ازدواجمون به مدیگه قول دادیم نه به خودمون نه به خانواده‌ها هیچ بی‌احترامی نشه تا حرمت سرجاش بمونه همین باعث شد اگه هم مشکلی بود بین خودمون حل کنیم، بااحترام به خانوادش باعث احترام خیلی بیشتر همسر نسبت به خانوادم میشه». خانم شماره ۸: «با خانواده همسرم اولاً خیلی جور نبودم و به سری مشکلات با خواهرشوهرم داشتم، اما سعی کردم سازگاری کنم. به هر حال اگر نخوام بگذرم ممکنه زندگی خراب بشه».

در نهایت آخرین مضمون اصلی در این پژوهش با عنوان رشد و ارتقای زوجی^۳، به دست آمد که به اقدامات و تلاش‌های زوجین در جهت پیشرفت مشترک و فردی یکدیگر مربوط می‌شد. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات آمده است:

- خانم شماره ۴: «به هم کمک کردیم ایشون تو درس به من کمک کردن ما باهم کلی پیشرفت داشتیم با هم اختراع ثبت کردیم کلی کارها انجام دادیم». آقای شماره ۱۲: «تلاش کردن برای درخشش و رشد همدیگه هستش و افتخار میکنیم وقتی همسرمون به خواسته و هدفش میرسه. اینکه از رشد همدیگه لذت میبریم و تشویق میکنیم همدیگه رو به رشد و پیشرفت کردن».

1. the effect of time on couples' relationships
2. healthy communication structure
3. couple growth and development

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل مختلف از دوران قبل از ازدواج تا طی مراحل مختلف زندگی مشترک زوجین، در موفقیت، تداوم و پایداری ازدواج نقش ایفا می‌کنند. مراحل و سال‌های ابتدایی ازدواج از مقاطع مهم چرخه زندگی خانواده و زوجین تازه‌ازدواج کرده است. رویارویی با مسائل زندگی متأهلی، تعارض‌ها و تفاوت‌های فردی و خانوادگی از همان ابتدای زندگی مشترک آغاز می‌شود. سازگاری زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پایداری یا ثبات ازدواج در جامعه ما محسوب می‌شود. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایداری آن، به صورت کیفی و با استفاده از تجارب زیسته زوجین، در پی جست‌وجوی مؤلفه‌ها و بسترهای سازگاری زناشویی بر پایداری و تداوم ازدواج است.

باتوجه به یافته‌ها، فضایل فردی و زوجی از بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج است؛ و زوجین از فضایی همچون تحصیلات، قدردانی و توانایی بیان مناسب احساسات و دلخوری‌ها برخوردارند. مسلماً این فضیلت‌ها در جنبه‌ها و روابط انسان جلوه گر می‌شود و حیطة مهمی همچون ازدواج و زندگی مشترک را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. فضایل زوجی از جمله صداقت، عدم پنهان‌کاری، مقایسه نکردن، روابط جنسی رضایت‌بخش، عشق و علاقه به همسر، دل‌بستگی به همسر، ارسال پیام‌های عاشقانه، تعلق خاطر به خانواده مبداء، وجود فرزندان و توافق بر سر مسائل اساسی است. در زمینه «الگو گیری مثبت» از خانواده‌های اصلی و اطرافیان به منزله عامل بستر ساز سازگاری مراحل اولیه ازدواج می‌توان گفت نتایج این پژوهش با پژوهش خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۸)، پوتاوی و ویگ و نولز^۱ (۲۰۰۸) همسوست. در واقع الگوهای زوجین از والدین خود گرفته‌اند در زندگی زوجی و سازگاری آن‌ها نقش دارد. پرهیز از عصبانیت، حفظ احترام در زمان بروز تنش، حفظ خونسردی در زمان بروز تنش، همگی از فضایل فردی در این مطالعه به‌شمار می‌رود. برای تقویت سازگاری زناشویی لازم است به زوج‌ها کمک شود تا مدیریت تعارض، هیجانات را در رابطه بیاموزند. زوج‌ها باید بیاموزند که چگونه هیجانات منفی خود را کنترل و آرامش خود را بازیابند. آن‌ها باید این آگاهی را داشته باشند که چگونه می‌توان هیجانات شدید و متفاوت را تنظیم و تعدیل کرد (گاتمن و

1. Powdthavee & Vignoles

گاتمن، ۲۰۱۷). پژوهش‌های صائمی و همکاران (۱۳۹۸)، خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۳)، کریس^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، ریک^۲ و همکاران (۲۰۱۷) با نتایج این پژوهش در این زمینه هم‌سوست. نتایج این پژوهش در این موارد: توافق (خدادادی سنگده و همکاران، ۲۰۰۶) وجود فرزند (لی و فانگ^۳، ۲۰۱۱) عشق و علاقه، تعلق خاطر (دیکسون^۴، ۲۰۱۳) اعتماد (شریسا، ۲۰۱۴) قدردانی (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۷) بیان مناسب احساسات (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ساجینو^۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ نیلفروشان^۶ و همکاران، ۲۰۱۳)، عدم پنهان‌کاری و مقایسه نکردن (پیرساقی و همکاران، ۱۳۹۶)، حمایت و همراهی متقابل (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۶؛ کریمی^۷ و همکاران، ۲۰۱۹؛ بلاچ و همکاران، ۲۰۱۴) تصمیم‌گیری مشارکتی (ناموران گرمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ گاتمن، ۲۰۱۷)، روابط جنسی رضایت‌بخش (آذرکیش و همکاران، ۱۳۹۶؛ الزائوند، ۲۰۲۰) همسو و با پژوهش جاویدی و همکاران (۱۳۹۱) ناهم‌سوست، نتایج این پژوهش نشان داده است که برخی افراد با اینکه رضایت جنسی مطلوبی ندارند، اما از سازگاری بالایی برخوردارند. همچنین برخی نیز رضایت جنسی مطلوبی نشان می‌دهند، اما سازگاری زناشویی بالایی ندارند.

به نظر می‌رسد با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن تعارض در زندگی زناشویی، مدیریت صحیح تعارض‌ها با استفاده از راهبردهای مناسب، برای کنترل و پیشگیری از تشدید آن حائز اهمیت باشد؛ و واکنش‌های سازنده زوجین در جهت حل تعارض مثل عذرخواهی کردن، شوخی کردن برای پایان دادن به تنش، سکوت در زمان تنش و گفت‌وگو در یک فضای آرام، و تمام مضامین دیگر به دست آمده، به سازگاری بیشتر زوجین کمک می‌کند. نتایج این پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش ناموران گرمی و همکاران (۱۳۹۶)، پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶)، حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۵)، کرایسی و همکاران (۱۳۹۵)، نوروزی و همکاران (۱۳۹۹)، درایور و گاتمن (۲۰۱۴)، گاتمن و گاتمن (۲۰۱۷)، لی^۸ و همکاران (۲۰۱۸)، و کریمی و همکاران (۲۰۱۹) هم‌سوست.

1. Criss
2. Rick
3. Li & Fung
4. Dixon
5. Saggino
6. Nilforooshan
7. Karimi
8. Li

برآمدهای پژوهش نشان داد که از دیدگاه زوجین، «باورهای مذهبی» چهارمین مؤلفه اثرگذار بر سازگاری و پایداری ازدواج آنهاست. مذهب از خصوصیات عمده درون بافت ازدواجهاست. از تحلیل تجارب مشارکت کنندگان مشخص شده که اعتقاد به خداوند، پذیرش خواست و حکمت او موجب سازگاری و دوام بیشتر زندگی زناشویی می‌شود. دیکسون (۲۰۱۳) اشاره می‌کند این فرایند اثرگذاری از طریق باور به اعتقادات دینی، عمل به سفارش‌های مذهب در مورد اهمیت روابط زناشویی و نقش تعدیل‌کننده عقاید معنوی برای آرامش زوجین است. نتایج حاصل از پژوهش با پژوهش ال قافل^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۸)، کرایبی و همکاران (۱۳۹۵)، خجسته‌مهر و محمدی (۱۳۹۵)، فاطمی نیک و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. نتایج پژوهش نشان داد که «حفظ حریم زناشویی» از دیدگاه زوجین، پنجمین عامل اثرگذار بر سازگاری و پایداری ازدواج آنهاست. معدود پژوهش‌هایی به حریم‌سازی و حفظ مرزها با خانواده‌های اصلی و اطرافیان به منزله عوامل اثرگذار بر سازگاری و پایداری ازدواج پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش در این زمینه با پژوهش بخشی زنجیرانی و علی ماندگاری (۱۳۹۶)، کیلاوی^۲ و همکاران (۲۰۱۴) همسوست، اما با پژوهش تقوی و همکاران (۱۳۹۲) ناهمسوست. ششمین مضمون اصلی به دست آمده از مصاحبه‌ها «انعطاف‌پذیری» است. به این صورت که نگرش آنها به همسر و زندگی مشترک به دور از ایدئال‌گرایی بوده است. آنها عیوب یکدیگر را پذیرفتند و معتقدند که هیچ انسانی کامل نیست و زن و شوهر نباید کاملاً شبیه به هم باشند، بلکه تفاوت‌های فردی آنهاست که زوجین را مکمل یکدیگر می‌کند. نگرش آنها به زندگی مشترک هم نگرشی کمال‌گرایانه نیست، آنها وجود ناسازگاری و اختلافات در اوایل ازدواج را طبیعی می‌دانند و با مشکلات و چالش‌ها مقابله می‌کنند. نتایج پژوهش با نتایج پژوهش حاتمی و رزقه و همکاران (۱۳۹۵)، شهرستانی و همکاران (۱۳۹۱)، درخش و همکاران (۱۳۹۸)، پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، داناوان^۳ (۲۰۰۴)، اینگرام^۴ (۲۰۱۰) همسوست.

برآمدهای پژوهش نشان داد که از دیدگاه زوجین، «انتخاب سازنده» که شامل انتخاب آگاهانه، آشنایی و شناخت پیش از ازدواج، داشتن آگاهی درباره زندگی مشترک

1. Alghaffli
2. Killawi
3. Donovan
4. Ingram

از عواملی است که سبب سازگاری آن‌ها و پایداری ازدواج می‌شود. نتایج این پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۳)، حاتمی و ورزنه و همکاران (۱۳۹۵)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، درخش و همکاران (۱۳۹۸) همسوست. مؤلفه داشتن آگاهی درباره زندگی مشترک در این پژوهش به منزله عواملی مطرح شد که زوجین نقش آن را در سازگاری و پایداری ازدواجشان مهم تلقی کردند. همچنین در این پژوهش «حمایت خانواده‌ها» از نظر زوجین، در سازگاری و پایداری ازدواج آن‌ها نقش قابل توجهی داشته است. خانواده‌ها از همان مراحل اولیه ازدواج با عدم پافشاری بر اجرای تمام رسومات و پذیرفتن عروس و داماد به منزله عضو جدید خانواده‌شان، از به وجود آمدن تنش و ناسازگاری بین زوجین جلوگیری می‌کنند. در ادامه نیز با درمیان گذاشتن تجارب زندگی خود، عدم مداخله در مسائل خصوصی زن و شوهر به سازگاری آن‌ها کمک می‌کنند. نتایج این پژوهش در این موضوع با نتایج پژوهش، درخش و همکاران (۱۳۹۸)، جلالی و عادلین راسی (۱۳۹۴)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۸) همسوست و با پژوهش دانگ^۱ (۲۰۰۸) مطابقت و همخوانی ندارد.

در ادامه یافته‌های پژوهش، «تأثیر گذر زمان بر روابط زوجین» حاکی از این است که براساس تجارب زیسته همسران، سازگاری آن‌ها در طول سال‌های زندگی زناشویی نسبت به اوایل ازدواج افزایش یافته و گذر زمان تأثیراتی از قبیل، شناخت بیشتر یکدیگر، حساسیت کم‌تر، کسب تجربه، اعتماد بیشتر به یکدیگر، دستیابی به هدف و تفکر مشترک، نزدیکی به لحاظ شخصیتی و حل مشکلات داشته است. در این زمینه با پژوهش احمدی و داداشی (۱۳۹۵)، لیتزینگر و گوردن^۲ (۲۰۰۵)، جلالی و عادلین راسی (۱۳۹۴) همسو و با پژوهش غروقی^۳ و همکاران (۲۰۱۵) ناهمسوست.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند سبب سازگاری و پایداری زندگی زناشویی در مراحل اولیه ازدواج شود، «ساختار ارتباطی سالم» است. به هر میزان که زوج‌های جوان روابط گرم و صمیمانه بیشتری را با خانواده‌های خود و همسرشان، داشته باشند، احساس کارآمدی، قابلیت و توانمندی حل مسئله را به طرز مطلوب‌تری نشان می‌دهند. در این زمینه با پژوهش چراغی و همکاران (۱۳۹۴) همسوست.

در نهایت از تحلیل تجارب زوجین در سال‌ها و مراحل ابتدایی ازدواج این مضمون

1. Dung
2. Litzinger & Gordon
3. Ghoroghe

به دست آمد که رشد و ارتقای زوجی نیز در ایجاد یا بهبود سازگاری آن‌ها نقش مهمی داشته است. بدین معنی که آن‌ها، به رشد و ارتقای یکدیگر توجه و با عمل به وظایف خود و حتی اقدام در راستای فراتر از وظایف خود موجبات شکوفایی همسر خود را فراهم می‌کنند. و همواره تلاش می‌کنند تا به موفقیت‌های مشترک دست یابند و این با پژوهش‌های فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، درخش و همکاران (۱۳۹۸)، پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶) همسوست. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج پایدار پدیده‌ای است که مستلزم داشتن شرایط و عوامل متعددی است و نقش سازگاری و مؤلفه‌های مرتبط با آن، در پایداری ازدواج به خصوص در مراحل و سال‌های ابتدایی آن، بسیار حائز اهمیت بوده است. این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر قزوین بودند، لذا تعمیم این نتایج به تمام خانواده‌های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان تکرار شود. این پژوهش مضامین مهمی برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین فراهم کرده است. از آنجا که حفظ حریم زناشویی و استحکام بخشی مرزها از مؤلفه‌های اثرگذار بر پایداری سال‌های نخست ازدواج توسط زوجین مطرح شد، پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از تعارضات در مراحل اولیه ازدواج و پایداری آن آموزش‌هایی به زوج‌ها و همین‌طور خانواده‌های آن‌ها جهت رعایت و حفظ مرزبندی صحیح در مراحل مختلف زندگی زناشویی زوج داده شود. شناسایی عوامل پایداری ازدواج و استحکام بخش خانواده راهنمای مناسبی برای کار کردن با زوج‌ها و خانواده‌ها محسوب می‌شود. کمک به متخصصان در این زمینه، به سلامت، استحکام سیستم خانواده و جامعه و پیشگیری از شیوع طلاق در سال‌های ابتدایی ازدواج، کمک می‌کند.

منابع

- آذرکیش، م.، نادری، ف.، عسکری، پ.، و حیدری، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش جنسی بر بخشش رنجش خاص زناشویی و پایداری ازدواج زنان متأهل شهر آبادان. سلامت جامعه، ۴(۳)، ۱۰۲-۱۲۱.
- آقایی، ی.، کلانتر کوشه، م.، نعیمی، ا.، و ناصر مقدسی، ع. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر بر سازگاری زناشویی متأهلین مبتلا به بیماری مالتیپل اسکلروزیس. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۷(۲)، ۱۴۴-۱۵۶.
- احمدی، ش.، و مرادی، ا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس مؤلفه‌های سلامت روان‌شناختی و خودشفقت‌ورزی در زوجین شهرستان بوکان. مجله زن و مطالعات خانواده، ۳(۱۱)، ۴۱-۵۵.
- احمدی، م.، و داداشی، س. (۱۳۹۵). رابطه رضایت‌مندی زناشویی با سازگاری زناشویی، تعداد فرزندان و

- طول مدت ازدواج در معلمان زن شهرستان ماهشان. تهران: دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی.
- بخشی زنجیرانی، ن.، و علی‌مندگاری، م. (۱۳۹۶). ثبات خانوادگی و تداوم زندگی زناشویی: مطالعه کیفی در شیراز. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۲۴، ۲۰۷-۲۴۴.
- به‌پژوه، ا. (۱۳۸۹). *ازدواج موفق و خانواده سالم چگونه*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- پیرساقی، ف.، کیامنش، ع.، حسنی، ج.، زهراکار، ک.، و محسن‌زاده، ف. (۱۳۹۷). ارائه الگوی ارتباط زناشویی کارآمد با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، ۴۵، ۳۵-۷.
- تقوی، ن.، عباس‌زاده، م.، و رفیعی اصل، ث. (۱۳۹۲). تعیین عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی (مطالعه موردی خانواده‌های شهر مریند). *مطالعات علوم اجتماعی*، ۳۶، ۲۲-۳۹.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، موتابی، ف.، پناغی، ل.، صادقی، م.، و سلمانی، خ. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. *مجله راهبرد فرهنگ*، ۸(۳۱)، ۹۹-۱۲۵.
- جاویدی، ن.، سلیمانی، ع.، احمدی، خ.، و صمدزاد، م. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش راهبردهای مدیریت هیجان مبتنی بر رویکرد زوج درمانی هیجان‌مدار بر افزایش رضایت جنسی زوجین. *روان‌شناسی سلامت*، ۳، ۱۸۵.
- جلالی، ه.، و عادلین راسی، ح. (۱۳۹۴). حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در زنان متقاضی طلاق. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۴(۳)، ۱۶-۵.
- حاتمی ورزنده، ا.، اسمعیلی، م.، فرحبخش، ک.، و برجعلی، ا. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند (یک پژوهش گراند تئوری). *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲۱)، ۱۲۰-۱۴۹.
- حسینی، ح.، و تیموری ارشد، ر. (۱۳۹۸). تبیین دوام ازدواج منجر به طلاق در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۴(۲۷)، ۱۱۵-۱۵۳.
- خجسته مهر، ر.، و محمدی، ر. (۱۳۹۵). تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۲، ۷۰-۵۹.
- خدادادی سنگده، ج.، کلائی، ا.، و گوهری‌پور، م. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۴۱، ۲۷-۶۰.
- خدادادی سنگده، ج.، نظری، ع.، احمدی، خ.، و حسنی، ج. (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه کیفی و اکتشافی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۵، ۹-۲۴.
- خدادادی سنگده، ج.، نظری، م.، و احمدی، خ. (۱۳۹۶). شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه مدل مفهومی خانواده سالم اسلامی - ایرانی. *مجله روان‌شناسی و دین*، ۳، ۲۵-۴۰.
- درخش، ع.، اصلانی، خ.، و کرایسی، ا. (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱، ۷۳-۹۷.
- رحمتی، م.، احمد برآبادی، ح.، و حیدرنیا، ا. (۱۳۹۹). تأثیر برنامه غنی‌سازی روابط زوجین مبتنی بر وقت زندگی بهتر برای زن و شوهرها بر سازگاری زناشویی زنان با ازدواج زود هنگام. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴۱، ۲۳۵-۲۵۸.

- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۹). *سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۸*. تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال کشور.
- سلیمی، ه.، جاودان، م.، زارعی، ا.، و نجارپوریان، س. (۱۳۹۸). سلامت رابطه زناشویی در پرتو عوامل تأثیرگذار بر ثبات و رضایت از رابطه؛ یک مطالعه مروری. *مجله آموزش و سلامت جامعه*، ۶(۳)، ۱۸۳-۱۹۲.
- شهرستانی، م. م.، دوستکان، م.، رهباندار، ح.، و مشهدی، ع. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی و عادی شهر مشهد. *مجله زن و فرهنگ*، ۲۴، ۱۹-۴۲.
- شیدان‌فر، ن.، نوابی‌نژاد، ش.، و فرزاد، و. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و ایماگوتراپی بر سازگاری فردی زوجین (در سال‌های اولیه ازدواج). *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۲(۸۹)، ۵۹۳-۶۰۶.
- صائمی، ح.، بشارت، م.، و اصغرنژاد فرید، ع. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس صمیمیت زناشویی و دشواری تنظیم هیجان. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۷۸)، ۶۳۵-۶۴۶.
- صادقی، م.، موسوی، ج.، موتابی، و.، و دهقانی، م. (۱۳۹۴). رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی معاصر*، ۱۰، ۶۷-۸۲.
- عیسی‌نژاد، ا.، و علیزاده، ز. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش تقویت مقابله زوجی بر سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای زوجی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۱(۱)، ۶۷-۸۵.
- فاریابی، ظ.، و زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی شهر یزد. *ماهنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد*، ۳، ۸۳-۹۴.
- فاطمی نیک، ط.، سودانی، م.، و مهربانی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش گروهی آموزه‌های دینی بر کیفیت زندگی و مؤلفه‌های آن در زوج‌ها. *مشاوره کاربردی*، ۶(۳)، ۸۸-۷۳.
- فحیحی، ا.، اسمعیلی، م.، فرحبخش، ک.، و دانش‌پور، م. (۱۳۹۵). ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۰(۲)، ۲۷-۱۰.
- صابری، م.، توزنده جانی، ح.، ثمری، ع.، و نجات، ح. (۱۳۹۸). پیش‌بینی پایداری ازدواج براساس سازگاری زناشویی و خودآزایی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۹(۲)، ۵۶-۷۰.
- کرای، ا.، خجسته‌مهر، ر.، سودانی، م.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲۲(۶)، ۱۲۹-۱۶۴.
- کریمی، س.، و اسمعیلی، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و تاب‌آوری با سازگاری زناشویی معلمان زن. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۲(۸۷)، ۲۹۸-۲۹۱.
- کلائی، ا.، خدادادی سنگده، ج.، و گوهری‌پور، م. (۱۳۹۷). شناسایی بسترهای فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده رضایت از ازدواج. *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*، ۱، ۷۹-۹۹.
- ناجی اصفهانی، ز.، جهانگیری، ج.، و لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۹۷). کاوش در چگونگی حل مسئله در بین همسران تازه‌ازدواج کرده شهر اصفهان. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۱، ۸۳-۱۰۹.

- ناموران گرمی، ک.، مرادی، ع.، فرزاد، و.، و زهراکار، ک. (۱۳۹۶). تعیین ابعاد سازگاری در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی. *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹(۳)، ۱۸۲-۱۹۴.
- نوروزی، س.، رضاخانی، س.، و وکیلی، پ. (۱۳۹۹). رابطه بین سبک‌های حل تعارض، بهزیستی روان‌شناختی و ثبات ازدواج: ارائه یک مدل علی. *فصلنامه پژوهشی زن و جامعه*، ۲، ۸۱-۱۰۴.
- هنرپوران، ن. (۱۳۹۵). مقایسه ثبات ازدواج و مؤلفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و غیرسنتی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان قزوین، *ویژنامه زن و جامعه*، ۷، ۱۷-۲۷.
- Alghafli, Z., Hatch, T., & Marks, L. (2014). Religion and relationships in muslim families: A qualitative examination of devout married muslim couples. *Religions*, 5, 833-814.
- ALZyoud, N. F. (2020). Psychological Stress and its Relationship to Marital among Working Mothers in Jordanian Society and its Impact on Raising Children. *International Journal of Psychological Studies*, 12(1), 714-733.
- Basharpoor, S., & Sheykhoslamy, A. (2015). The Relation of Marital Adjustment and Family Functions With Quality of Life in Women. *Eur J Psychol*, 3(11), 212-233.
- Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: *More than a wives' tale*. *Emotion*, 14, 130-145.
- Criss, M. M., Morris, A. S., Ponce-Garcia, E., Cui, L., & Silk, J. S. (2016). Pathways to Adaptive Emotion Regulation among Adolescents from Low-Income Families. *Family Relations*, 65, 517-529.
- Durgut, S., & Kisa, S. (2018). Predictors of marital adjustment among child brides. *Arch Psychiatr Nurs*, 32(5), 670-676.
- Dixon, D. C. (2013). *Christian Spirituality and Marital Health: A Phenomenological Study of Long-Term Marriages*. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.
- Donovan, S. (2004). *Stress and coping techniques in successful marriage*. Thesis submitted to the faculty of the Varginia Polytechnic institute and State arriage, happy life? University in partial of the requirements for the degree of M.A.
- Driver, J. L. & Gottman, J. M. (2005). Dysfunctional marital conflict and everyday marital interaction. *Journal of Divorce and Remarriage*, 43(34), 65-77.
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2014). Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Family Process*, 43, 301-314.
- Dung Le, T. M. (2008). *Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages*. AM.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.
- Ghoroghe, S., Siti Aishah, H. & Mazna, B. (2015). Marital Adjustment and Duration of Marriage among Postgraduate Iranian Students in Malaysia. *Published by Canadian Center of Science and Education*, 12(3), 120-141.
- Gottman, J., & Gottman, J. (2017). The Natural Principles of Love. *Journal of Family Theory & Review*, 9, 7-26.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches*: Jossey-Bass.
- He, Q., Zhong, M., Tong, W., Lan, J., Li, X., Ju, X., & Fang, X. (2018). Forgiveness, Marital Quality, and Marital Stability in the Early Years of Chinese Marriage: An Actor-Partner Interdependence Mediation Model. *Frontiers in psychology*, 9, 15-28.
- Ingram, J. R. (2010). *Money stories of successful long-term married couples*. ProQuest Dissertations and Theses. Texas woman,s university.
- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Masjedi Arani, A. (2019). Protective factors of marital stability

- inlong-term marriage globally: A systematic review. *Epidemiology and Health*, 41,115-131.
- Kendrick, H. M., & Drentea, P. (2016). *Marital Adjustment*. The Wiley Blackwell Encyclopedia of Family Studies.
- Killawi, A., Daneshpour, M., Elmi, A. Dadras, I., Hamid, H. (2014). *Recommendations for Promoting Healthy Marriages & Preventing Divorce in the American Muslim Community*. Report published in Institute for Social Policy and Understanding.
- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of martial satisfaction. *Review of General Psychology*,15, 27-41.
- Li, X., Cao, H., Zhou, N., Ju, X., Lan, J., Zhu, Q., & Fang, X. (2018). Daily communication, conflict resolution, and marital quality in Chinese marriage: A three-wave, cross-lagged analysis. *JournalofFamilyPsychology*, 32(6), 733-742.
- Litzinger, S., & Gordon, K.C. (2005). Exploring Relationships among communication, sexual Satisfaction, and marital Satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 31(5), 409-424.
- Manning W., Brown, S., & Stykes, J. (2016). Same-sex and different-sex cohabiting couple relationship stability. *Demography*, 53(4), 937-53.
- Mukashema, I., Hahirwa, J., & Hakizamungu, A. (2019). Psychosocial factors of marriage stability and longevity in traditional rwanda. *people:International Journal of Social Sciences*, 5(2), 52-72.
- Michalitsianis, N. (2014). *Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction*. Master dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Nilforooshan, P., Ahmadi, A., Fatehizadeha, M., Abedi, M. R., & Ghasemi, V. (2013). How adult attachment and personality traits are related to marital quality. *Europe's Journal of Psychology*, 9(4), 783-797.
- Nimtz, M.A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term. marriage: phenomenological study*. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertationsand Theses, Liberty University.
- Powdthavee, N., & Vignoles, A. (2008). Mental health of parents andlife satisfaction of children: A within-family analysis ofintergenerational transmission of well-being. *Social IndicatorsResearch*, 88, 397-422.
- Rick, M., Falconier, M., & Wittenborn, A. (2017) Emotion regulation dimensions and relationship satisfaction in clinical couples. *Journal of Personal Relationships*, 24, 211-245.
- Saggino, A., Martino, M., Balsamo, M., Carlucci, L., Ebisch, S., Innamorati, M., Tommasi, M. (2016). Compatibility quotient, and its relationship with marital satisfaction andpersonality traits in Italian married couples. *Sexual & Relationship Therapy*, 31(1), 83-94.
- Shirisia, L. (2014). *Strong Marriages in the African American Community: How Religion Contributes to a Healthier Marriage*. Master Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.
- Wang, L., Seelig, A., Wadsworth, S. M., McMaster, H., Alcaraz, J. E., & Crum-Cianflone, N. F. (2015). Associations of military divorce with mental, behavioral, and physical health outcomes. *BMC psychiatry*, 15(1), 1-12.
- Yuksel, O., & Dag, I. (2015). The Relationship Between Marital Adjustm Psychological Symptoms in Women: The Mediator Roles of Coping Strategies and Gender Role Attitudes. *Turk psikiyatri dergisi. Turkish journal of psychiatry*, 26(3),181-198.